

دانش نامه ی گلستان در ابتدای راه



محمود اخوان مهدوی*

هرچند ماهیت دانش نامه نویسی در ایران، دارای سابقه ای طولانی است و آثار مکتوب متعددی از نویسندگان و دانشمندان قدیم ایران را می توان در گروه دانش نامه ها قرار داد، لکن از آن جا که دانش نامه نویسی به شیوه ی علمی نوین، در جهان سابقه ای طولانی ندارد، به تبع آن، این نوع از فرهنگ نویسی در ایران نیز جزو پدیده های نوین محسوب می شود. دانش نامه ها بسته به موضوع و روش کار، به انواع گوناگونی تقسیم می شوند، که یکی از



این انواع، دانش نامه هایی هستند که به مسایل منطقه ای می پردازند. به عبارت دیگر در این نوع از دانش نامه ها، موضوعات به یک محدوده ی مکانی یا جغرافیایی مشخص مربوط می شوند و در واقع نخستین محدودیت آن ها، محدودیت مکانی است. البته این نوع دانش نامه ها نیز خود می توانند بسته به موضوع و روش کار، دارای انواع گوناگونی باشند، چنان که اکنون نیز در نقاط مختلفی از ایران، دانش نامه نویسی بومی با روش های متفاوت و محدودیت های موضوعی مختلف انجام می شود.

بارها شنیده ایم که دانش نامه ی گلستان، در نوع خود، تجربه و کاری نوین بوده است، حال باید دید باتوجه به تجربه هایی که در سایر نقاط ایران در حوزه ی دانش نامه نویسی بومی انجام شده، آیا این تجربه، تجربه ی موفقی بوده یا خیر؟

بیش از ده سال پیش، زمانی که نخستین قدم های تأسیس مؤسسه ی فرهنگی میرداماد توسط آیت الله سید کاظم نورمفیدی برداشته شد، فکر تدوین یک دایره المعارف جامع و کامل نیز شکل گرفت، البته شاید در ابتدا انتظار از این دایره المعارف، تنها پوشش موضوعات تاریخی بود، اما رفته رفته این فکر تکامل یافته و موضوعات دیگری را هم در بر گرفت.

*عضو شورای
راهبردی مرکز
دانش نامه ی
گلستان

در ابتدای کار، به میزان شناختی که از فعالان فرهنگی در استان وجود داشت، از گروهی از آنان برای تدوین دانش نامه دعوت به هم کاری شد و در مدت کوتاهی، مرکز دانش نامه شکل گرفت، اما مانند هر کاری که در آغاز راه با آزمون و خطا همراه است، پس از مدتی تجربه‌ی کاری، کاستی‌ها و معایب کار و علل آن‌ها بررسی شد و از آن جا که علت اصلی این کاستی‌ها و نواقص، عدم وجود تجربه‌ی دانش نامه نویسی و از آن مهم تر، عدم تجربه‌ی کار گروهی در استان بود، سعی شد با دعوت اساتیدی که در دانش نامه نویسی دستی دارند، کارگاه‌های آموزشی متعددی برگزار شود. در همین حین، دیگر افراد علاقه مند به موضوعات بومی استان و عده‌ای از کسانی که در برخی موضوعات بومی، سابقه‌ی کار پژوهشی داشتند، جذب این مرکز شده، تعدادی از آن‌ها جایگزین گروه نخست شدند و گروهی نیز در کنار اعضاء اصلی مرکز دانش نامه، تا زمان انتشار مجموعه‌ی ۳ جلدی «دانش نامه گلستان» هم کاری خود را با این مرکز ادامه دادند. در واقع اگر بخواهیم فعالیت مرکز دانش نامه را دوره بندی کنیم، می توان گفت این مرکز تاکنون دو فصل را پشت سر گذاشته است؛ فصل نخست، که با آغاز گران این راه شروع شد و هر چند مدت آن کوتاه بود، اما محصول آن، جذب نیروهای جدیدی بود که فصل دوم فعالیت‌ها را پیش بردند و فصل دوم هم از آغاز تغییرات در این مرکز تا انتشار مجموعه‌ی ۳ جلدی دانش نامه گلستان را در بر می گیرد که حدود ۱۰ سال آزمون و خطاهای زیادی را پشت سر گذاشت و فعالیت‌های پس از این، آغاز فصل سوم خواهد بود. نگارنده‌ی این سطور از حدود ۸ سال پیش فعالیت خود را به طور پراکنده و در قالب نوشتن مقاله، با این مرکز آغاز کرد و پس از چند سال هم کاری، به صورت پراکنده، در کنار دوستانی چون رحمت الله رجایی، احمد خواجه نژاد و مزدک دریکی، که بار اصلی تدوین دانش نامه را به دوش می کشیدند، به عضویت شورای راهبردی این مرکز درآمد، هر چند در این مدت نیز نسبت به سایر اعضاء کم ترین فعالیت را داشتیم، به واسطه‌ی اختلاف نظرهایی که همواره بین این گروه چهارنفره وجود داشت و نهایتاً به اتفاق نظر و یا اجماع نظر ختم می شد، تجربیات ارزنده‌ای از کار گروهی کسب کردم.

مانند هر کاری که به منصفه‌ی ظهور می رسد، به این دانش نامه و روش های فعالیت آن، انتقاداتی وارد است و مسلماً انتقاداتی از سوی صاحب نظران و افراد مختلف ارایه خواهد شد، لذا در این سطور به بررسی و انتقاد فضای فرهنگی استان و در ادامه، به نقد فعالیت های مرکز دانش نامه‌ی گلستان، البته به اختصار، خواهد پرداخت.

تجربه‌ی فصل نخست و دوم دانش نامه‌ی گلستان، نشان داد، در استان گلستان با وجود مراکز

فرهنگی متعدد و کثرت نیروی انسانی مستعد و علاقه‌مند، در وضع موجود، در حوزه‌ی نویسندگی فقر شدیدی وجود دارد، چه بسا کسانی که در یک یا چند موضوع، دانش وافی و کافی را دارند، اما در قلم به دست گرفتن و نوشتن تنبل هستند و چه بسا کسانی که می‌نویسند، اما بد می‌نویسند و آن قدر پُرکار هستند که این بدنویسی در آن‌ها رسوب کرده و تغییر آن دشوار خواهد بود. چنان‌که در تجربه‌ی تدوین دانش‌نامه‌ی گلستان، با مقالات نویسندگانی برخورد می‌کردیم که نه تنها مؤلف کتابی با موضوع همان مدخل نوشته شده در دانش‌نامه بودند، بلکه آثار تألیفی دیگری نیز داشتند، اما مقاله‌های آنان نه از نظر علمی و پژوهشی و نه از نظر دستوری و نگارشی به هیچ عنوان قابل پذیرش نبود. به طور کل، بین بیش از یک صد نفر از کسانی که برای مرکز دانش‌نامه، مقاله نوشتند، تنها تعداد انگشت شماری بودند که سابقه و تجربه‌ی نوشتن برای دانش‌نامه‌ها را داشتند و همین موضوع باعث می‌شد، حتی مقالات گروهی از پژوهش‌گران و نویسندگان باتجربه و چیره‌دست در نویسندگی مقالات و کتب، با شیوه‌های دانش‌نامه‌نویسی مغایرت داشته باشد و در نهایت مجموعه‌ی مقالات دانش‌نامه، از یک پارچگی و یک دستی برخوردار نباشد و با وجود این‌که در میانه‌ی راه فعالیت مرکز دانش‌نامه، جزوه‌ای پیرامون شیوه‌نامه‌ی دانش‌نامه‌ی گلستان تدوین شده و در اختیار نویسندگان قرار گرفت، اما کم‌تر نویسنده‌ای تمکین کرده و آن شیوه‌نامه را به کار می‌بست. از سوی دیگر، با وجود مراکز پژوهشی و آموزشی متعدد در استان و دعوت همگی آنان به هم‌کاری، در راستای نوشتن مقالات، کم‌تر مجموعه‌ای این دعوت را پذیرفت، که البته این عدم پذیرش می‌تواند ناشی از عدم توان علمی، وجود روحیه‌ی انحصارطلبی و رواج موازی‌کاری، عدم شناخت دقیق فعالیت‌های مرکز دانش‌نامه و در نهایت عدم اعتماد به آن باشد. از سوی دیگر، بسیاری از نویسندگان چیره‌دست و مشهور که سابقه‌ی پژوهش پیرامون برخی موضوعات بومی استان و اتفاقاً تجربه‌ی نویسندگی برای سایر دانش‌نامه‌ها را داشتند، فرصت یا شاید انگیزه‌ی کافی برای هم‌کاری با دانش‌نامه‌ی گلستان را نداشتند.

اما با وجود همه‌ی کاستی‌های حوزه‌ی پژوهش و نویسندگی در ایران و به تبع آن در استان گلستان، انتقاداتی هم مستقیماً متوجه مرکز دانش‌نامه‌ی گلستان است. حداقل از زمان حضور نویسنده‌ی این سطور، در این مرکز، این آگاهی وجود داشت که استان در حوزه‌ی پژوهش و به ویژه دانش‌نامه‌نویسی ضعیف و کم‌تجربه است، اما با وجود آگاهی به این مهم، تغییر چندانی در روند تدوین دانش‌نامه رخ نداد، البته که، با برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی، تلاش شد این نقیصه برطرف شود، اما دو ایراد مهم به این اقدام وارد بود؛ نخست آن‌که این دوره‌های

آموزشی بسیار کوتاه مدت بود و تداوم نداشت. دیگر این که از استادانی دعوت می شد که بیشتر تجربه ی فعالیت در مراکز دانش نامه ها و دایره المعارف های عمومی را داشتند. هرچند حضور این استادان خالی از فایده نبود، اما برای تدوین دانش نامه ای بومی، که اغلب مقالات ذیل مدخل های آن تازه و تولیدی است، حضور افرادی که با چنین دانش نامه هایی دست و پنجه نرم کرده اند، نیز لازم و ضروری بود.

یکی دیگر از ایرادهای مرکز دانش نامه ی گلستان، حرکت آن از آخر به اول، یا از پایان به آغاز است. همان طور که می دانیم مراکز دانش نامه یا دایره المعارف در دنیا، مراکزی پژوهشی و گاهی، آموزشی هستند که در اساس، هیچ گاه پایانی برای فعالیت های خود متصور نیستند، مگر این که با موانعی مواجه شوند. لذا این مراکز فعالیت های پژوهشی را به صورت بنیادین آغاز کرده، ضمن شناسایی و جذب افراد صاحب نظر، افراد مستعد را نیز شناسایی کرده، به شیوه های مختلف آموزش می دهند، هیأت علمی، شورای داوری و کارگروه های مختلفی را از همین افراد تشکیل می دهند، پس از تدوین فهرست مدخل ها، کتابخانه و مرکز اسنادی پیرامون موضوعات مدخل های فهرست شده گردآوری می کنند، از میان منابع و اسناد گردآوری شده، برای هر مدخل پرونده ای تشکیل می دهند، در حوزه ی موضوعاتی که فاقد منابع مکتوب هستند، مجموعه آناری را منتشر می کنند و در نهایت به تدوین دانش نامه های موضوعی و الفبایی اقدام می کنند. هرچند دانش نامه ی گلستان، زمانی آغاز به کار کرد که کتابخانه ای به نسبت غنی در اختیار داشت، اما اقدام به گردآوری منابع مرتبط با مدخل های فهرست شده، خیلی دیر انجام شد و هنوز نیز نواقص زیادی دارد.

دانش نامه ها معمولاً مرجع ارجاعات هستند، یعنی ذیل هر مدخل، اطلاعات مختصر و مفیدی ارائه داده و در پایان، خواننده را به منابع موجود پیرامون آن مدخل، ارجاع می دهند. اما از آن جا که در حوزه های بومی، منابع مکتوب بسیار اندک و یا غیر قابل اعتماد است، یک مرکز دانش نامه ی بومی رسالتی بس عظیم بر دوش دارد. چراکه بسیاری از مطالب ذیل مدخل ها، یا برای نخستین بار مکتوب می شود و یا ممکن است با مطالب و مندرجات منابع مکتوب پیشین تناقض هایی داشته باشد، لذا نویسنده ناچار است برای اثبات مطالب خود، زیاده گویی کرده و یا مطالب نویسندگان پیش از خود را به نقد بکشد. این جاست که یک مرکز دانش نامه به منظور دوری از این روند، ناگزیر است قبل از تدوین دانش نامه ی الفبایی، به انتشار مجموعه مقالات و یا سلسله جزوات اقدام کند. به این طریق، نویسنده تمام مباحث خود را در مقاله یا جزوه ای جداگانه مطرح کرده

و در دانش‌نامه‌ی الفبایی، موارد مورد نیاز را به آن مقاله یا جزوه‌ی منتشر شده ارجاع می‌دهد. از میان دانش‌نامه‌هایی که به این شیوه عمل کرده‌اند و البته تاکنون به سرانجام نرسیده‌اند، می‌توان به «دانش‌نامه‌ی گیلان» و «دانش‌نامه‌ی معماری و شهرسازی ایران» اشاره کرد. البته مرکز دانش‌نامه‌ی گلستان نیز در میانه‌ی راه، یک مجلد مجموعه مقالات، تحت عنوان «گلستانه» منتشر کرد، اما چون سیاست مرکز بر این مدار نبود، کار به همان یک عنوان ختم شده و ادامه نیافت.

نقد دیگری که به روند فعالیت‌های مرکز دانش‌نامه‌ی گلستان وارد است، عدم برخورد استنادی با مقالات نویسندگان می‌باشد، چراکه بسیاری از مطالب ارایه شده توسط نویسندگان بومی یا غیر بومی، نتیجه‌ی پژوهش‌های میدانی و یا گفت‌وگوهای شفاهی بوده است، لذا مستندسازی و آرشیو گزارش‌های حاصل از پژوهش‌های میدانی و فایل‌های گفت‌وگوهای شفاهی، علاوه بر این که به استانداردسازی شیوه‌ی ارجاع مقالات کمک می‌کند، می‌تواند به عنوان سندی از یک موضوع محسوب شده و نیز به غنی‌سازی آرشیو اسناد وابسته به مرکز دانش‌نامه یا موسسه‌ای که دانش‌نامه ذیل آن فعالیت می‌کند، کمک کند. به عنوان مثال وقتی ذیل مدخل مربوط به یک بنای تاریخی، مقاله‌ای نوشته می‌شود، نویسنده‌ی مقاله ضمن پژوهش‌های میدانی، وضع موجود بنا، در زمان پژوهش خود، را ثبت کرده است، حال ممکن است تا زمان تدوین و انتشار دانش‌نامه، به هر دلیلی آن بنا تغییر وضعیت داده و یا از بین برود، بنابراین کلیه‌ی تصاویر و نقشه‌های تهیه شده از آن بنا، می‌تواند سند ارزشمندی از آن بنا باشد.

نکته‌ی دیگر در مورد مرکز دانش‌نامه‌ی گلستان، شیوه‌ی انتخاب نویسندگان مقالات است، این مرکز همانند هر مرکز مشابه دیگر، در ابتدای راه، با شناسایی افرادی که در حوزه‌های مختلف پژوهش‌های بومی استان فعالیت داشتند، ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها دعوت به هم‌کاری کرد، اما در میانه‌ی راه با این واقعیت مواجه شد که بسیاری از افرادی که در این حوزه‌ها شناخته شده هستند، به هر دلیلی توان هم‌کاری با این مرکز را ندارند و طبیعتاً به دنبال نیروهای تازه نفس و علاقه‌مند رفت، که تا این جای کار، روالی منطقی و ناگزیر بود، اما به اعتقاد نگارنده‌ی این سطور، در ادامه‌ی راه و در هم‌کاری با این نیروها دچار چند اشتباه عمده شد؛ نخست، تأکید بر کمیّت که موجب نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به کیفیت شد، چنان که برخی از این نویسندگان ده‌ها مقاله نوشتند، اما از آن میان، تنها بخش اندکی دارای کیفیت نسبی و قابل پذیرش بود و اشتباه دیگر، عدم آموزش تمام و کمال به این نیروها، چنان که می‌شد بخشی از هزینه‌ها، به جای آن که صرف آزمون و خطا و باز هم آزمون و خطا شود، را صرف تربیت و آموزش

این نیروها کرد و اشتباه آخر، عدم استفاده از هریک از این نیروها در جای خود، چنان که تعداد زیادی از نیروهایی که به عنوان نویسندگی مقالات انتخاب شدند، شاید گزینه‌ی بهتری برای گردآوری منابع و تنظیم پرونده‌های مدخل‌ها بودند و برخی از آن‌ها بیشتر نویسندگان خوبی بودند تا پژوهشگران خوب، در نتیجه اینان می‌توانستند با دراختیار گرفتن پرونده‌های مدخل‌ها، مقالات کیفی تری بنویسند.

بحث ویراستاری دانش نامه هم از مباحث دیگری است که به روند کار آن ایراداتی وارد است؛ دانش نامه‌ها مانند هر اثر پژوهشی دیگر، نیاز به دو نوع ویراستاری دارند؛ نخست، ویراستاری فنی و دوم، ویراستاری ادبی و از آن جا که موضوعات یک دانش نامه، هم چون دانش نامه‌ی گلستان، متنوع است و نویسندگان متعدد آن، هر کدام با سبک خود، مقالات را نوشته‌اند، هر دو نوع ویراستاری نیاز به یک کارگروه دارد، یا به عبارتی دیگر، هم ویراستاری فنی و هم ویراستاری ادبی آن، نیازمند کار گروهی است و نه کار انفرادی، از سوی دیگر این مهم انجام نخواهد شد، مگر آن که مجموعه‌ای از تصاویر منابع استفاده شده در مقالات، در پرونده‌های هر مدخل موجود باشد.

با تمام انتقادات و ایراداتی که در مورد دانش نامه‌ی گلستان ذکر شد، که البته به عقیده‌ی نگارنده، این انتقادات تنها بخش اندک و ناچیزی از انتقادات وارده به این دانش نامه است، یک واقعیت را نباید فراموش کرد و آن این است که اگر دانش نامه‌ی گلستان در این مرحله تدوین و منتشر نشده بود، نه تنها امروز حرفی برای گفتن وجود نداشت، بلکه اساساً تجربه‌ای هم در پی نداشت و واقعیت دیگر آن است که، این مرکز هر زمان دیگری هم که این کار را آغاز می‌کرد، باید این مراحل را طی می‌کرد تا چنین تجربه‌ای حاصل شود. دانش نامه‌ی گلستان عیاری است برای توان علمی و نگارشی فعالان فرهنگی این استان و آینه‌ای است در مقابل آنان، تا قوت و ضعف خود را در آن ببینند و در مسیر تکامل و پختگی قدم بردارند. نگارنده‌ی این سطور از جمله کسانی است که از دو سو، هدف انتقادات مذکور و سایر انتقادات مربوط به این دانش نامه قرار خواهد گرفت، چرا که خود، هم نویسندگی تعدادی از مقالات دانش نامه‌ی گلستان است و هم عضوی کوچک از گروه تدوین این دانش نامه، در حالی که نه تجربه‌ی مقاله نویسی برای دانش نامه را داشته و نه در تدوین و راهبری دانش نامه دارای سابقه و تجربه بوده است. به امید آن که مرکز دانش نامه‌ی گلستان با تکیه بر تجارب حاصل از فعالیت‌های دو فصل گذشته، فصل سوم از فعالیت‌های خود را هر چه بهتر آغاز کند.